

# آب، موضوع چالش‌های آینده خاورمیانه

سیداصغر کیوان حسینی  
عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)  
گروه علوم سیاسی

## چکیده

امروز ۸۰ کشور جهان از کمبود آب رنج می‌برند. این خطر، علاوه بر جنبه داخلی کشورها، تأثیرات فراوان بر سطوح روابط منطقه‌ای میان طرفهای درگیر در بحران کم‌آبی برجا می‌گذارد. مسلماً هنگامی که مسأله "دستیابی به منابع بیشتر آبی" در چارچوب منافع و اهداف یک کشور قرار می‌گیرد، بحران ناشی از کاهش منابع آبی را باید دارای اولویت استراتژیک دانست.

این بحران در منطقه خاورمیانه به گونه‌ای بسیار حساستر جلوه می‌کند. معضل مدیریت منابع آبی موجود در منطقه خاورمیانه را باید در ارتباط تنگاتنگ با سطوح ثبات و امنیت در این بخش از جهان دانست. در این مقاله هدف اصلی طرح و بررسی معضل کم‌آبی در سطح منطقه، تقسیم‌بندی حوزه‌های بحرانی و تأثیر این بحران در روابط میان کشورهای درگیر است تا از این رهگذر حوزه‌های امنیتی کشور اسلامیسان، به عنوان کشوری که از منابع وسیع آبی در نقاط مرزی خود با دیگر همسایگان، برخوردار است، مورد توجه بیشتر دست‌اندرکاران جامعه قرار گیرد.

## مقدمه

آب منشأ حیات و الفبای عمران و آبادانی است. آب این اعتبار را در طول تاریخ کسب کرده، زیرا هر جاکه اثری از آب بوده، حیات نیز پدید آمده و نشانه‌هایی از آن به وجود مانده است. از آنجا که این منبع حیاتبخش به مقدار یکسان در همه نقاط زمین، توزیع نشده است در بعضی کشورها افزایش آب و در برخی جاها کمبود آن، موانعی در توسعه ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آورده است.

امروزه ۸۰ کشور جهان که ۴۰٪ از جمعیت جهان را در خود دارد، از کمبود آب، که به منزله یک تهدید جدی برای کشاورزی، صنعت و بهداشت عمومی است، رنج می‌برد. چنین خطری باعث شده است که اندیشمندان در صدد تحدید این خطر مهلک برآمده و به گونه‌ای بشریت را از گرداب این معضل جهانی رهایی بخشند.

در کنار ابعاد داخلی بحران کمبود آب در کشورهای درگیر، جنبه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این معضل و تأثیرات آن را بر روابط منطقه‌ای کشورها نباید از نظر دور داشت. مسلماً هنگامی که مسأله "دستیابی به منابع آبی بیشتر" به عنوان یکی از ضروریات در چارچوب "امنیت و منافع ملی" یک کشور قرار گیرد، بحران کم‌آبی از یک "برتری استراتژیک" خاص برخوردار می‌شود.

بحران آب در منطقه آسیای غربی (خاورمیانه) از مسائل بسیار مهم و حساسی است که تاکنون مورد توجه دقیق یا حداقل آشکار کشورهای دیگر و سازمانهای بین‌المللی قرار نگرفته است. از هم‌اکنون شواهد و مدارک غیرقابل انکاری وجود دارد که این منطقه در پایان قرن بیستم به مرحله خطرناکی از کمبود منابع آبی (برابر با ۱۰۰ میلیارد متر مکعب) نزدیک می‌شود. این حجم رو به کاهش آب به نسبت نیازمندیهای فراوانی که هر یک از کشورهای منطقه دارند، بسیار ناچیزتر جلوه می‌کند. اما مشکل اصلی در این نهفته است که توزیع آب در کشورهای منطقه به‌طور متناسب با نیازهای هر کشور انجام نگرفته است. افزون بر اینکه بخش اعظم منابع آبی منطقه را رودهایی تشکیل می‌دهند که از مرزها می‌گذرند. آنچه مسأله را دشوارتر می‌کند این است که سرچشمه بخش اعظم آبهای شیرین کشورهای عربی در خارج از مرزهایشان قرار دارد (رودهای

دجله، فرات، نیل).

به رغم اینکه کشورهای خاورمیانه همچنان از راه‌های دیپلماتیک سعی در حل و فصل ماجرای آب در منطقه دارند و پیشاپیش در پی آنند که با توسل به راه‌حلهای سیاسی از درگیریهای آینده، که بعضاً پیش‌بینی می‌شود نظامی باشد، جلوگیری نمایند، اما با این حال شکل موضوع به گونه‌ای است که نشان می‌دهد دستیابی به یک راه‌حل برای تقسیم عادلانه آب بسیار دشوار است.

در این مقاله سعی شده که در چارچوب تفکیک حوزه‌های بحرانی آبی در سطح منطقه خاورمیانه، مهمترین جنبه‌های تأثیرگذاری بحران مزبور بر روابط متقابل کشورهای درگیر در سطح منطقه توضیح داده شود.

## ۱- حوزه رود نیل

### کلیات

رود نیل با ۶۶۷۱ کیلومتر طول، درازترین رودخانه جهان است. این رود و انشعابه‌های فرعی آن بین ۹ کشور، با ادعاهای متفاوت نسبت به منابع آن و سطوح گوناگونی از توسعه اقتصادی، مشترک است. کشورهای مزبور عبارتند از مصر، سودان، اتیوپی، اوگاندا، کنیا، تانزانیا، رواندا، بروندي و زئیر. در کناره‌های این رود، که سالانه ۸/۸۳ میلیارد مترمکعب آب در آن جریان دارد، فضای سبز مناسبی ایجاد شده است و مردم در این محیط به کشاورزی می‌پردازند، چرا که سایر مناطق این کشورها بسیار خشک است.

### قاهره، مرکز ثقل بحران آب حوزه

در مصر، ۹۵٪ جمعیت در امتداد این رود زندگی می‌کنند و ۹۷٪ آب آشامیدنی و مصارف کشاورزی آنها از رود نیل تأمین می‌شود. ۲۷٪ انرژی تولیدی مصر نیز از

توربینهای سد آسوان به دست می‌آید.<sup>۱</sup> این کشور هیچگونه آبی به رودخانه نیل وارد نمی‌کند، اما چنانکه اشاره شد، با بیشترین جمعیت در منطقه، تاکنون بیشترین تقاضا را برای آب داشته است. بقای درازمدت اقتصادی مصر، که آخرین کشور ساحلی نیل است، به گسترش همکاری همسایگان بالای رود در زمینه پروژه‌های آبهای نیل بستگی خواهد داشت. این در حالی است که این کشور کنترل و نفوذ چندانی بر کشورهای دیگر که در بخشهای علیای نیل قرار گرفته‌اند، ندارد. بنابراین، مصر حفظ جریان رود نیل را یک اولویت استراتژیک تلقی می‌کند.

در سالهای گذشته، کاهش حجم آب و ادامه خشکسالی، تنش‌جاتی بین کشورهای واقع در مسیر رودخانه ایجاد کرد. مصر کشورهای دیگر را به خاطر عدم همکاری برای حل مشکل آب سرزنش می‌کند. این کشور مدعی است که آنها خطر افزایش بحرانش را دامن می‌زنند.

### الف) اختلافات مصر و اتیوپی در مورد "آب"

اختلافات فزاینده‌ای بین مصر و اتیوپی وجود دارد. واقعیت این است که مواضع دو طرف در زمینه آب تند و مخالف یکدیگر بوده، این امر بر روابط فیما بین تأثیر فراوانی دارد. اختلافات مصر - اتیوپی در باره آب در اواخر دهه هفتاد، یعنی هنگامی که حکومت مارکسیستی اتیوپی به قدرت رسید و با شوروی سابق پیمان نظامی و سیاسی امضا کرد، به اوج خود رسید. در آن مقطع زمانی رهبری سیاسی مصر در دو بُعد سیاسی و نظامی همپیمان ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رفت و به همین دلیل، سیاستهای این کشور بر مبارزه با خطر سرخ در آفریقا متمرکز شده بود. روابط تنش آمیز مصر و اتیوپی هنگامی که سادات اعلام کرد که در صورت امکان، مصر به اسرائیل کمک خواهد کرد تا از آبهای نیل بهره‌برداری کند، اوج بیشتری گرفت. البته این سخن هیچگاه جامه عمل نپوشید و تنها هدف سادات بروز نرمش بیشتر در مواضع اسرائیل در مذاکرات صلح بود، اما اتیوپی، مصر را به سوء استفاده از آبهای نیل متهم کرد.

در دو دهه هشتاد و نود، سیاست مصر نسبت به کشورهای قاره آفریقا، از جمله

اتیوپی، تغییر کرد و این کشور، سیاست بهبود روابط سیاسی و اقتصادی را در پیش گرفت و در نهایت در ۱۹۹۳/۷/۱ توافقی میان دو کشور روی داد. بر اساس این توافق، "مبارک" و "زیناوی" توافق کردند که در یک چارچوب کلی مصر و اتیوپی برای توسعه منابع آب نیل همکاری داشته باشند و هر دو طرف، به منافع اقتصادی و سیاسی یکدیگر احترام بگذارند و همچنین یک پروژه تحقیقاتی مشترک در زمینه منابع آبی دو کشور اجرا کنند.<sup>۲</sup>

البته در کنار این موافقتنامه‌ها و حربه‌های دیپلماتیک دیگری که دو کشور برای حل اختلافات خود در مورد بهره‌گیری از منابع آبی نیل به کار می‌گیرند، در مواقعی نیز "تهدید به اعمال زور و جنگ" مشاهده می‌شود؛ چنانکه چندی قبل دولت اتیوپی اعلام کرد که در نظر دارد از طریق ایجاد سد هایی در مسیر رودخانه، زمینهای زیرکشت خود را آبیاری کند، و در مقابل دولت مصر ضمن استناد به قوانین بین‌المللی به اطلاع دولت اتیوپی رساند که در صورت لزوم وارد جنگ خواهد شد.<sup>۳</sup>

#### ب) مصر - سودان، اختلاف "آبی"

روابط مصر و سودان همواره تحت تأثیر نگرانی نسبت به جریان رود نیل قرار داشته است، لذا مصر فعالانه مراقب اوضاع و تحولات سیاسی سودان است. در جنگهای لفظی که تاکنون میان مصر و سودان بالا گرفته است، دو کشور هشیارانه بر یکپارچگی دره نیل تأکید ورزیده‌اند. هیچیک از دولتهای سودان تاکنون با "سلاح آب" مصر را تهدید نکرده است و مذاکرات فنی دو جانبه در باره مسائل مربوط به آب بطور منظم انجام می‌شود. مسأله مالکیت مشترک بر رود نیل همواره در دوره‌های تنش سیاسی به عنوان یادآور ضرورت حفظ همکاری سیاسی نسبی مطرح می‌شود.<sup>۴</sup>

#### ج) اقدامات و مذاکرات در مورد حل بحران آب در منطقه

گرچه مدیریت یکپارچه رود نیل، که به طور گسترده مورد پشتیبانی کارشناسان آب

است، ممکن است از نظر فنی مطلوب باشد، اما هیچگونه موافقتنامه چند جانبه‌ای که نیازهای همه کشورهای حوزه رودخانه را در نظر بگیرد، وجود ندارد، به این علت که مصر طی سالهای متمادی بر اولویت داشتن نیازهای آبی خود پافشاری کرده است. اما این سخن به این معنا نیست که هیچ اقدام و مذاکره‌ای در مورد تحقق چنین توافقی انجام نگرفته است: رایزنی نسبتاً محدودی که بین دولتهای مربوط جریان داشت، موجب شد که در سال ۱۹۶۱، پروژه بررسی "هیدرومت" به سرپرستی سازمان ملل، که موازنه آب در منطقه تحت پوشش دریاچه ویکتوریا را ارزیابی می‌نمود، مورد پشتیبانی مصر، سودان، تانزانیا، کنیا و اوگاندا قرار گیرد و بعد از آن رواندا و بوروندی نیز به جمع این کشورها پیوستند. در سال ۱۹۶۷ نیز یک کمیسیون فنی چند جانبه با شرکت تمام کشورها بجز اتیوپی تأسیس گردید. در سال ۱۹۷۸ تانزانیا، رواندا و بوروندی به تشکیل سازمان توسعه حوزه رودخانه "کارگر" اقدام کردند و در ۱۹۸۱ اوگاندا نیز به آنها پیوست.

گروه آندوگو\* (که به زبان سواحلی به معنی برادری است) در سال ۱۹۸۳ تحت حمایت سازمان وحدت آفریقا (OAU) تشکیل شد که همه کشورهای بجز اتیوپی را در بر می‌گرفت. اجلاسهای منظم آن برای بحث در باره چارچوب همکاری در زمینه مبادله اطلاعات و انتقال شبکه‌های برق برگزار می‌گردید. این گروه مورد پشتیبانی کامل دبیرکل سازمان ملل متحد، پتروس غالی، قرار گرفت. با وجود این، قدرت اجرایی آندوگو محدود است: به سختی می‌توان آن را شکل دولتهایی با قدرت چانه‌زنی مساوی خواند و دستورکار آن هنوز عمدتاً توسط مصر دیکته می‌شود.<sup>۵</sup>

در اجلاسهای اخیر برنامه‌ریزی آندوگو، مصریها طرح درازمدت امیدوارکننده‌ای ارائه کرده و خواستار بهره‌برداری از آبهای نیل برای تولید نیروی برق به مقدار بسیار زیاد و صدور به کشورهای منطقه و تحصیل ارزهای معتبر گردیده‌اند. درآمدهای حاصل از نیروی برق مزبور نیز به نوبه خود به مصرف طرحهای آب و آبیاری در کشورهای ساحلی نیل خواهد رسید. بدین ترتیب انرژی عاری از آلودگی در شمال به

فروش می‌رسد و به جای آن سرمایه‌های لازم برای توسعه اقتصادی و طرحهای عمرانی دریافت خواهد شد. اجرای چنین طرحی به گفته برخی از تحلیلگران شاید تنها راه توافق در مورد استفاده از آب در کشورهای دره نیل باشد.

نکته قابل توجه در این رابطه، حمله عراق به کویت و تأثیر آن بر نگرانیهای کشورهای عرب منطقه، بویژه مصر، در باب استفاده از منابع آبی نیل است. وقوع این حمله، باعث شد که بین نگرانیهای امنیتی مصر در مورد آب و سیاستهای امنیتی این کشور پیوندی پدید آید. "صندوق کویت برای توسعه اقتصادی عرب" و سایر مؤسسات مالی در کشورهای ساحلی خلیج فارس در ژوئیه ۱۹۹۰ موافقت خود را مبنی بر تأمین هزینه اجرای طرح کشاورزی در صحرای سینا اعلام داشتند. این پروژه، که طبق پیش‌بینیهای انجام شده بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت، توسط سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) به منظور اسکان مصریها در شبه جزیره سینا و افزایش تولیدات کشاورزی و اجرای طرحهای عمرانی در این منطقه ارائه گردیده است.<sup>۱</sup> در نتیجه حمله عراق به کویت و خسارات عظیم ناشی از آن، امکان ادامه حمایت مالی کویت و دیگر کشورهای منطقه، طرح بهره‌برداری بهینه از آبهای نیل را با شک و تردید روبرو ساخته است.

در پایان این قسمت از بحث باید توجه داشت که حوزه رود نیل نه یک موجودیت ژئوپلیتیکی منسجم است و نه جامعه‌ای از منافع اقتصادی. در ورای سیستم رودخانه‌ای، عامل مؤثری وجود ندارد که بتواند کشورهای مجاور رودخانه را به یکدیگر نزدیک، و همکاری متقابل بین آنها را برقرار نماید. این واقعیت، همراه با برداشتهای امنیتی مصر به یک مانع صعب‌العبور در راه توسعه منابع آب برای همکاری متقابل کشورها و مذاکرات چندجانبه تبدیل شده است. همکاری بین کشورهای مجاور رودخانه نیل تاکنون به مصر و سودان محدود بوده و در تمام قراردادهای بین‌المللی مربوط به رود نیل، اولویت به "حقوق تاریخی" مصر داده شده است؛ با وجود این، هرگونه راه‌حل سیاسی یا فنی درازمدتی برای تأمین نیازهای آبی مصر، و نیز هرگونه طرح فراگیر مدیریت آب در حوزه رودخانه، بدون دخالت اتیوپی عملی نیست.

در مورد دیگر کشورهای مجاور رودخانه نیل در شرق آفریقا نیز باید گفت که اینان تاکنون از سهم خود از سیستم رودخانه‌ای به میزان قابل توجهی استفاده نکرده‌اند. هیچیک از این کشورها طرح فراگیری را برای استفاده از منابع آب خود ارائه نداده و بیشتر آنها نیز از سیستم رود نیل سرچشمه‌ای ندارند.

## ۲- منطقه حوزه رودخانه‌های دجله و فرات

### کلیات

حوزه رودخانه‌های دجله و فرات، که مقدار آب سالانه آن تقریباً به اندازه نیل است، چهار کشور ترکیه، سوریه، عراق و ایران را دربر می‌گیرد. از قبل مشخص است که نزاع بر سر آبهای دجله و فرات عموماً به اهداف سیاسی و اقتصادی ترکیه مرتبط می‌شود. همچنین ترکیه بسیار علاقه‌مند است که دامنه ثقل استراتژیک خود را در منطقه گسترش دهد. اختلاف هنگامی آغاز شد که ترکیه حق دخل و تصرف در آبهای دجله و فرات را - به دلیل منافع مستقیم اقتصادی - به خود داد.

### الف) ترکیه: مرکز ثقل بحران آب حوزه

از اواسط دهه ۱۹۸۰ "اوزال" رئیس‌جمهور سابق و نخست‌وزیر وقت ترکیه، اندیشه "خط لوله صلح" برای حمل آب از این کشور به منطقه خلیج فارس و کشورهای خاور نزدیک را ارائه کرده و پیش برد. بر اساس این طرح، آب رودهای سیحان و جیحان در ترکیه، که به مدیترانه می‌ریزد، از طریق سوریه، اردن و عربستان به ممالک منطقه خلیج فارس منتقل شده و بدین ترتیب دو خط لوله بزرگ، آب را به کشورهای مزبور خواهد رساند: یکی به اردن و سوریه و دیگری به بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. هزینه احداث این خط لوله که آب آشامیدنی را به حدود ۱۵ میلیون نفر می‌رساند، معادل ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده بود.

اجرای "خط لوله صلح" که به سرمایه‌گذاری تمامی ممالک ذی‌نفع وابسته بود، تنها



در سایه یک موافقتنامه تقسیم آب مشترک فراهم می‌شود؛ حال اینکه تهیه چنین موافقتنامه‌هایی در گذشته حتی برای طرحهای منفرد نیز میسر نبوده است. به ملاحظات سیاسی و نیز هزینه بسیار زیاد خط لوله مزبور در مقایسه با شیرین‌سازی آب دریا در محل، سعودیها و کویتی‌ها تقاضای اوزال را برای سرمایه‌گذاری در این زمینه نپذیرفتند. مقامات ارشد کویتی و سعودی از اینکه آب مورد نیازشان تحت حاکمیت و کنترل ترکها باشد، هراس داشته‌اند. علاوه بر این، یک راه آبی که از چندین کشور عبور می‌کند، همواره می‌تواند هدف حمله قرار بگیرد.

گرچه ترکیه، که سرچشمه رودهای دجله و فرات را کنترل می‌کند، از منابع آبی فراوانی برخوردار است، لکن حدود ۴۰٪ از زمینهای کشاورزی آن در جنوب شرقی آناتولی قرار دارد و این سرزمینی است که بطور کلی از کمبود آب رنج می‌برد. ترکیه برای کاهش این کمبود، در سال ۱۹۸۳ "طرح عمران آناتولی جنوب شرقی" (GAP) را آغاز کرد که مجموعه‌ای از ۱۳ طرح فرعی شامل سدهای ذخیره آب برای آبیاری و سدهای تولید برق از جمله سد عظیم آتاتورک است. هفت فقره از سدهای مزبور بر رود فرات و شش فقره دیگر بر رود دجله بنا خواهد شد.<sup>۷</sup>

دولت ترکیه اجرای طرح مزبور (GAP) را از جمله حق حاکمیت خود برای بهره‌برداری از آب در سرزمینش می‌داند، حقی که همسایگان واقع در قسمت پایین رودخانه‌های مزبور، یعنی عراق و سوریه، بشدت با آن مخالفند.

مؤسسه مطالعات لندن در گزارش خود در باره بحران منابع آبی در منطقه و بویژه پروژه گاپ در ترکیه، بیان می‌کند که آثار هیدروپلیتیکی پروژه مذکور بیشتر متوجه مسائل داخلی این کشور است:

"در آثار هیدروپلیتیکی پروژه مذکور (گاپ) برای ثبات منطقه‌ای، باید توجه داشت که گاپ مهمتر از همه، یک پروژه داخلی برای توسعه منطقه نسبتاً فقیر جنوب شرقی آناتولی است. هدف این پروژه، توسعه تولید فرآورده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی برای صادرات و بالا بردن سطح زندگی ساکنان کرد منطقه است. تولیدات کشاورزی در اولویت قرار دارد، زیرا قطبهای رشد تعیین شده مبتنی بر کشاورزی صنعت هستند، و

ترکیه در نظر دارد که محصولات کشاورزی خود را به خاورمیانه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بویژه کشورهای تازه تأسیس یافته آسیای مرکزی صادر نماید. پروژه گاپ یک پاسخ اقتصادی به تقاضای کردها برای خودمختاری تلقی می‌شود تا وسیله‌ای به عنوان اهرم فشار سیاسی و بین‌المللی، هر چند تا اندازه‌ای سوریه و عراق آن را چنین می‌انگارند.<sup>۸</sup>

### ب) عراق و بحران آب

در مورد عراق که ۶۶٪ آب مورد نیاز خود را از طریق رودخانه‌های خارجی تأمین می‌کند، باید گفت که مشکل اصلی این کشور کیفیت آب است نه کمیت آن. این کشور، منابع آب نسبتاً فراوانی دارد، اما مشکلات جدی در زمینه مدیریت آب و شوری خاک، موانع و اختلالات فراوانی را در پروژه‌های آبیاری گریبانگیر رهبران این کشور کرده است.<sup>۹</sup> عراق بر عکس سوریه این شانس را دارد که از آبهای دجله، که مورد بهره‌برداری کمتری قرار می‌گیرد، برخوردار باشد. عراق، قبل از بحران کویت، در نظر داشت که بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در ۲۰ طرح کنترل سیل، هیدروالکتریک، ذخیره‌سازی آب و آبیاری بر روی دجله، شعب آن و دریاچه "ثرثار" سرمایه‌گذاری کند.<sup>۱۰</sup>

نکته دیگری که در مورد منابع آبی عراق باید مورد توجه قرار گیرد، این است که از آنجا که سرچشمه‌های فرات در ترکیه قرار دارند و این رودخانه در مسیر خود از سوریه نیز عبور می‌کند، برای بغداد مشکلات زیادی ایجاد کرده است؛ چرا که سرمایه‌گذاران فرات ترکیه و سوریه در زمینه بهره‌برداری از آب آن برای دولت عراق تنها ۸ میلیارد متر مکعب آب باقی می‌گذارد، هرچند سهمیه‌اش ۱۸ میلیارد متر مکعب است. عراق به طور کلی سالانه ۷۰ تا ۷۶ میلیارد متر مکعب آب به دست می‌آورد که ۷۰٪ از ترکیه، ۷٪ از ایران و ۲۳٪ از داخل خاک این کشور تأمین می‌شود.

هنگام تکمیل طرح‌های آبی سوریه و ترکیه، میزان آبی که به عراق خواهد رسید؛ به یک سوم کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، نیاز به آب به دلیل افزایش جمعیت،

۳ برابر خواهد شد.<sup>۱۱</sup>

### ج) اختلافات موجود بر سر "آب"

به رغم تأکیدات فراوان رهبران ترکیه درباره حوزة وسیع تأثیرات داخلی پروژه گاپ، همچنان هراس و نگرانی دو دولت عراق و سوریه در مورد عواقب و تأثیرات این پروژه بر سطح بهره گیری مشترک کشورهای منطقه از منابع آبی دجله و فرات به قوت خود باقی است؛ چراکه اگر پروژه های تحت پوشش این طرح طبق برنامه پیش برود، جریان رود فرات و در نهایت دجله می تواند به طور قابل توجهی کاهش یابد و پرکردن مخازن آب ترکیه موجب انقطاع در جریان آب رودخانه خواهد شد؛ علاوه بر این، گاپ بطور اجتناب ناپذیری با طرحهای جاری سوریه و عراق در زمینه افزایش اراضی کشت آبی رقابت خواهد کرد.

در ارتباط با این دل نگرانیها، می توان نمونه هایی را نیز مطرح کرد: ترکیه برای پرکردن آب دریاچه های سد آتاتورک در ۱۹۹۰ سهمیه دو کشور عراق و سوریه از رود فرات را بشدت کاهش داد. این امر به نگرانی همسایگان دره سفلی این رود (عراق و سوریه) کاملاً دامن زد. برای کاهش این نگرانیها، دولت ترکیه "اطلاعات فنی تفصیلی" را در خصوص انحراف موقت آب رود فرات، به سوریه و عراق ارائه کرد و پیشنهاد کرد که برای جبران این امر، در فاصله ماه های نوامبر و ژوئن ۱۹۹۱ جریان آب رودخانه را افزایش دهد.<sup>۱۲</sup>

یک سال بعد از این حادثه نیز ترکیه در پی بروز جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱) به دلایل فنی، مقدار آب سهمیه عراق و سوریه از فرات را به ۳۰۰ مترمکعب در ثانیه کاهش داد که این عمل با اعتراض شدید سوریه و عراق روبرو شد. این دو کشور ضمن استناد به مقررات بین المللی، خواستار دریافت سهمیه آب خود شدند.<sup>۱۳</sup> علاوه بر طرح گاپ و سد آتاتورک، که بر روابط میان ترکیه و کشورهای همسایه جنوبی این کشور تأثیر فراوانی دارد، باید به مسائل دیگری نیز توجه داشت:

رودخانه عاصی\* و استان هاتای\*\* از دیگر موارد اختلاف بین سوریه و ترکیه به شمار می‌رود. سوریه عملاً قسمت بالای این رودخانه را تحت کنترل دارد و طرحهای آبیاری آن کشور در واقع جریان آب رودخانه به استان هاتای در ترکیه را متوقف ساخته است، منطقه‌ای که سوریه ادعای حق مالکیت آن را دارد.<sup>۱۲</sup>

مسئله دیگر، مشکل گردهاست که در مواقع مختلف در ارتباط با معضل آب و به عنوان یک اهرم فشار مورد توجه ترکیه یا سوریه قرار می‌گیرد؛ به عنوان نمونه ترکیه در سال ۱۹۸۷ نسبت به احتمال کاهش جریان آب فرات به سوریه خبر داده و ظاهراً حمایت سوریه از "تروریستهای کرد" را بهانه قرار داده بود.<sup>۱۵</sup> در مقابل، تنها چند روز پس از گفتگوهای مقامات دو دولت ترکیه و سوریه در سال ۱۹۹۳ و پس از مخالفت ترکیه با تضمین جریان آب رودخانه فرات به سوریه، به میزان حداقل ۵۰۰ متر مکعب در ثانیه، گردهای مخالف ترکیه (که مورد حمایت دمشق قرار دارند) فعالیت‌های خود را در مناطق مرزی تشدید کردند.<sup>۱۶</sup>

#### د) کمیته فنی مشترک، قدمی در راه توافق

مسئله اصلی کشورهای مجاور دو رودخانه، چیره شدن بر مواضع سرسختانه برای ایجاد یک چارچوب قانونی مورد پذیرش طرفین در استفاده از رودخانه‌های مشترک با اقدامهایی برای صرفه‌جویی در آب همراه است. بدون این تحولات، رودخانه‌های بین‌المللی در منطقه همواره سرچشمه تنش خواهند بود. البته نقش کمیته فنی مشترک را نباید دست‌کم گرفت. هرچند اجلاسهای این کمیته کمتر برگزار می‌گردد، و ظاهراً در زمینه مسئله تقسیم آب پیشرفت چندانی نداشته است، در عین حال کانال مؤثری برای ارتباطات به حساب می‌آید. اطلاعات هیدرولوژیکی به‌طور منظم با تلکس مبادله می‌شود. این همکاری فنی از نظر سیاسی مؤثر نیست، اما در کاهش جنگ لفظی نقش دارد. کمیته مزبور نمی‌تواند بروشنی به مسائل امنیتی کشورهای عضو پردازد، زیرا آنها

به مسائلی غیر از آب مربوط می‌شوند.

در پایان بحث در مورد بحران آب در حوزه دجله و فرات باید اذعان داشت که مانع اصلی در راه تحقق یک مصالحه سیاسی در این منطقه، مسأله "حاکمیت" است. ترکیه خود را مالک و صاحب اصلی جریان آب در کشورش می‌داند و معتقد است که بر اساس دکترین "هارمون" \* هرچه در سرزمینش واقع شده، تحت حاکمیت مطلق این کشور است؛<sup>۱۷</sup> لذا به گونه‌ای سرسختانه مخالف یک قرارداد چند جانبه در مورد تخصیص آبهای دجله و فرات است. این کشور در صدد است که رشدی را که طی دو دهه گذشته از طریق ادامه پیشروی در راه صنعتی شدن و حمایت از توسعه کشاورزی داشته است، ادامه دهد و بر آن بیفزاید. آب به عنوان سنگ‌زیربنا در رهیافتهای ترکیه برای تحقق این هدف به شمار می‌رود زیرا پروژه‌های آبیاری و تولید انرژی مربوط به رودهای دجله و فرات به عنوان بنیادیترین وسیله تحقق هدفهای توسعه کشاورزی و صنعتی ترکیه به حساب می‌آید.

پروژه گاپ می‌تواند در سرتاسر منطقه دجله و فرات باعث رشد اقتصادی گردد. با این حال، تمایل آنکارا به گنجانبیدن اسرائیل در فهرست شریکان بالقوه خود برای سرمایه‌گذاری، موجب نارضایتی همسایگان پایین رودخانه شده است.<sup>۱۸</sup> از سوی دیگر، مادامی که "حزب کارگران کُرد" (پ.ک.ک) به فعالیت خود ادامه می‌دهد، ترکیه از دادن هرگونه امتیازی در مورد آب به سوریه اکراه خواهد داشت، علاوه بر این، رودخانه عاصی نیز چندین بار موجب تنش در روابط دو کشور شده است. بطور کلی در مورد تخصیص یا بهره‌برداری از آبهای دو رودخانه دجله و فرات هیچگونه پیمان سه‌جانبه‌ای میان سه کشور ترکیه، عراق و سوریه وجود ندارد. پیمانهایی از قبیل پیمان لوزان \*\* میان ترکیه و عراق؛ پیمان آلبو \*\*\* (۱۹۳۰) در باب حقوق آبی سوریه؛ پیمان دوستی و حسن همجواری آنکارا (۱۹۴۶) که به امضای ترکیه و عراق رسید؛ پروتکل همکاری ژوئیه ۱۹۸۷ میان ترکیه و سوریه، جملگی تا حدودی

\* - Harmon

\*\* - Treaty of Lausanne

\*\*\* - Treaty of Aleppo

رفتارهای سیاست خارجی هر یک از کشورهای مزبور را در مورد آب اصلاح می‌نمودند، اما با این حال برای روشن ساختن وضعیت قانونی حوزه رودهای دجله و فرات در آینده نزدیک چشم‌اندازی وجود ندارد، اما با توجه به مسائل مالی و فنی، اشتباه است که انتظار تشدید اوضاع را داشته باشیم.

### ۳- حوزه رود اردن و لیتانی

#### کلیات

حوزه رود اردن، اسرائیل و سرزمینهای اشغالی (کرانه باختری، نوار غزه و بلندیهای جولان) اردن و جنوب غربی سوریه را در بر می‌گیرد. رودخانه لیتانی نیز در این منطقه واقع است به صورتی که بیشتر در مذاکرات آبی - سیاسی و طرحهای انتقالی به داخل حوزه، خود را نشان می‌دهد. این منطقه، و بویژه پادشاهی اردن، با کمبود شدید آب در خاورمیانه روبرو است و تعیین یک چارچوب قابل قبول طرفین برای مدیریت آب یک ضرورت مبرم به شمار می‌آید.

تنش مربوط به آب در محورهای ذیل قرار دارد: کنترل اسرائیل بر سرچشمه‌های رود اردن و بخشهایی از رود لیتانی واقع در منطقه امنیتی جنوب لبنان؛ ادعاهای فلسطینی‌ها و اردنی‌ها نسبت به "حقوق تاریخی" خود بر آبهای رود اردن، طرحهای سوریه برای احداث سد‌هایی روی رودخانه یرموک.

#### الف) اردن

آب یکی از نادرترین منابع طبیعی در اردن است. علاوه بر معضل رشد جمعیت و افزایش مصرف آب، این کشور در منابع اصلی آب خود با همسایگانش در وضعیتی که اردن آن را اوضاع نامساعد می‌داند، شریک است. اردن در استفاده از آب

رودخانه‌های اردن و یرموک با سوریه و اسرائیل شریک است و با سوریه و عراق و عربستان سعودی مشترکاً از ذخایر آب زیرزمینی استفاده می‌کند. چنین معضلاتی موجب شد که اردن برای تأمین آب مورد نیاز خود، تدابیر متفاوتی را به کار گیرد، مانند راه‌حلهای موقتی از قبیل حفر چاههای عمیقتر و آبیاری قطره‌ای، استخراج آب با نیروی خورشیدی و شیرین کردن آبهای شور دره رود اردن واقع در جنوب دریای میت، استفاده از ذخائر عظیم آب شور فسیلی،<sup>۱۹</sup>

### ب) لبنان

این کشور در مقایسه با همسایگان خود، منابع فراوان آبی دارد که می‌تواند به دیگران نیز سهمی برساند. رودخانه‌های متعدد و ذخائر آب زیرزمینی آن قابل اعتماد بوده، با نزولات آسمانی بویژه برف در کوهستانها تقویت می‌گردد. اما با این حال سالها جنگ، ارزیابیهای مربوط به عرضه و تقاضای آب را بویژه دشوار ساخته است. تعیین صحت و سقم داده‌ها کاری بسیار مشکل است و باعث راه یافتن حدس و گمان زیادی در ارزیابی ظرفیت بالقوه آبی لبنان و بویژه در مورد منافع اسرائیل در آبهای لبنان شده است.

لبنان که بخشی از سرزمینهایش تحت اشغال رژیم صهیونیستی است در کمیسیون اختصاصی رسیدگی به مسأله آب، که در گفتگوهای چند جانبه صلح مادرید، در اکتبر ۱۹۹۱ تشکیل شده، شرکت نکرد. رهبران این کشور اعلام کردند که یک کشور به تمام منابع آبی خویش نیازمند است و این امر به گفتگو نیاز ندارد. شایان ذکر است که این کشور در بیروت از کمبود شدید آب رنج می‌برد. بنابر آخرین خبرها، آبرسانی در بیروت، که نیمی از ۳/۵ میلیون لبنانی را در خود جای داده، شدیداً جیره‌بندی است.<sup>۲۰</sup>

### ج) اسرائیل و استراتژی دستیابی به منابع آبی

یکی از موضوعاتی که از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی اسرائیل، همواره مورد

توجه رهبران و سیاستگذاران این رژیم قرار داشته، مسأله دستیابی و تسلط بر منابع آبی منطقه بوده است. این موضوع هنگامی مهمتر جلوه می‌کند که در یابیم استراتژی مزبور از پشتوانه‌ای تئوریک و نظری نیز برخوردار است، هنگامی که "هرتزل" بنیانگذار صهیونیسم، دورنمای یک اسرائیل بزرگ را ترسیم می‌کرد، مسأله منابع آبی را بیش از هر موضوع دیگر مورد توجه قرار داد و تأکید کرد که بنیانگذاران راستین دولت یهود، کارشناسان و مهندسان آبیاری خواهند بود. بعد از تأسیس رژیم صهیونیستی، دیگر سیاستمداران آن نیز بر این مدعا صحه نهادند و از جمله "بن‌گوریون" نخست‌وزیر سابق اسرائیل در مورد اهمیت منابع آبی این اعتراف را داشت که جنگ یهودیان با اعراب بر سر منابع آبی است، و در صورت شکست، یهودیان دیگر جایی در فلسطین نخواهند داشت.

اسرائیل از زمان تأسیس (۱۹۴۸) سیاست مداومی را در مورد گسترش منابع آبی قابل بازیابی اتخاذ کرده است. این رژیم در اعمال طریق مزبور چنان می‌کوشید که در طول ۱۰ سال موفق به حفر ۴۰۰۰ چاه عمیق گردید.<sup>۲۱</sup>

بعد از شکست طرح "جانستون"، که در مورد چگونگی بهره‌برداری کشورهای حوزه رود اردن از منابع آبی این منطقه توسط اریک جانستون سفیر امریکا در سال ۱۹۵۳ مطرح شد، دولتهای حوزه رود اردن هر یک به پروژه‌های هیدرولیک منحصر به خود روی آوردند. اسرائیل نیز در همین رابطه "شبهه آبرسانی ملی" خود را در سال ۱۹۶۴ تکمیل کرد. این طرح که کانال "ملی حمل آب" نامیده می‌شد، سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب را از دریاچه "طبریه" به صحرای "نقب" (نگب) منتقل می‌کرد.

در جنگ شش روزه (۱۹۶۸) آب نقش بسیار مهمی در تعیین اهداف جنگی اسرائیل داشت؛ به گونه‌ای که سربازان اسرائیلی در آخرین ساعات جنگ به تخریب سد یرموک و کانال شرقی (یا کانال گور شرقی که متعلق به اردن بود) ادامه دادند و هواپیماهای این کشور پایگاه‌های فلسطینی را بمباران می‌کردند.<sup>۲۲</sup> پیروزی در این جنگ، در کنار فوائد و بهره‌های نظامی و استراتژیک، زمینه‌ساز تأمین منابع آب فراوانی نیز برای این رژیم شد.



در دوره ۷۰-۱۹۶۷ ارتش اسرائیل، به بهانه سرکوبی تهاجمات "ساف" کانال گورشرقی و دره اردن را کراراً گلوله باران کرد. این منازعه‌ای بر سر منابع آب نبود، بلکه تأسیسات آبی به عنوان اهداف استراتژیک تلقی گردید.<sup>۲۳</sup> در دهه ۱۹۸۰، اسرائیل با پروژه "سد" الوحده" که بین اردن و سوریه مورد توافق قرار گرفته بود، مخالفت کرد و در واقع تهدید نمود که در صورت احداث این سد، آن را بمباران خواهد کرد. البته باید توجه داشت که در کنار این تحرکات و موضع‌گیری‌های انعطاف‌ناپذیر و بعضاً نظامی، همواره صحنه‌هایی از همکاری‌های دو یا چند جانبه میان اسرائیل و دیگر کشورهای حوزه رود اردن و لیتانی، بویژه اردن، قابل مشاهده است.<sup>۲۴</sup>

بنابراین مشخص می‌شود که اسرائیل نیازهای آبی خود را در اولویت قرار داده و کنترل بر منابع آبی رود اردن و سفره‌های آبی کلیدی را به عنوان حداقل نیاز امنیتی خود تلقی می‌کند. حتی امروزه نیز که موج صلح و سازش بر روند چند دهه‌ای منازعه میان رژیم صهیونیستی و دولت‌های عربی بویژه ساف سایه افکنده است، باید مذاکرات صلح خاورمیانه را نیز از همین زاویه مورد بررسی قرار داد. شاهد این مدعا، در حجم بسیار زیاد ادبیات به کار رفته برای تبلیغ در "بازار خاورمیانه" ای، مشاهده می‌شود، چراکه مسأله آب نخستین مسأله‌ای بود که در گفتگوهای چند جانبه در کمیته مخصوصی مورد بحث قرار گرفت و دوستان اسرائیل پیش از تشکیل کمیته مزبور تبلیغات وسیعی برای طرح موسوم به "خط لوله" به راه انداخته بودند.<sup>۲۵</sup>

هرچند جزئیات گفتگوهای مربوط به خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی تاکنون مشخص نشده است، اما به احتمال قوی اسرائیل فقط در مورد برخی از مناطق حاضر به مصالحه خواهد بود. مشکلات زیادی در مورد آب چه به لحاظ تخصیص منابع و چه از لحاظ حقوقی وجود دارد که طرفین مذاکرات مربوط به پیمان غزه - اریحان نمی‌توانند آن را بسادگی حل کنند.

در همین رابطه می‌توان به تحقیقات مرکز تحقیقات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو (یافا) اشاره کرد. برابر این بررسی‌ها، در کنار گفتگوهای مربوط به خروج اسرائیل از سرزمین اشغالی، تفکرات نظامی و تعیین مرزهای جدید، باید موضوع آب نیز به صورت

مقوله‌ای جداگانه در دستور کار قرار گیرد. بنابر نظر کارشناسان این مؤسسه، اسرائیل باید در مذاکرات خود با سوریه در مورد نواحی شمالی ارتفاعات جولان، بویژه مناطق آب خیز رود اردن، تنها به بازپس دادن بخشی از سرزمینها رضایت دهد. بعلاوه مرزهای غرب اردن باید چند کیلومتر به طرف غرب کشیده شوند تا اسرائیل از ذخائر آب زیرزمینی بیشتری برخوردار گردد. در حالی که سوریه و فلسطین با هرگونه تغییر مرز مخالفند.<sup>۲۱</sup> ضمائم شماره ۱ و ۲ بیانگر وضعیت تقسیم آب میان کشورهای این منطقه است.

در پایان این بحث می‌توان گفت که گرچه شعار "اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات" از طریق حملات نظامی عملی نشد، اما در واقع رژیم صهیونیستی به کناره‌های رود نیل و فرات دست یافت. حضور فیزیکی این رژیم در ترکیه، مصر و اتیوپی این واقعیت را نشان می‌دهد که این رژیم در آینده خواهد توانست به منابع آبی نیل و فرات دست یابد.

### نتیجه‌گیری

انگیزه‌های درگیری به خاطر آب، در طبیعت وضعیت ژئواستراتژیک جهان عرب (خاورمیانه) نهفته است. بنابراین مسأله آب در این منطقه یکی از مسائل جنجالی و بحث‌انگیز به شمار می‌رود. از سوی دیگر، آب به شکل یک مسأله اجتماعی، قانونی، فنی، امنیتی و استراتژیک در آمده است که حیات دولتهای منطقه و مردمش به آن بستگی دارد، زیرا همواره مشکل آب با مشکلات دیگری که در گذشته به وجود آمده، پیوند خورده است.

انتظار می‌رود که موضوع آب در خاورمیانه محور اصلی مورد توجه در روابط بین کشورهای منطقه باشد. در نمودار این روابط نیز نوسانات بسیاری را شاهد خواهیم بود. شاید ابتدا به شکل یک همکاری و در پایان به صورت یک درگیری مسلحانه در آید، که این درگیریها، آشفستگی و استفاده از خشونت و زور را نیز به دنبال خواهد داشت. برای دلایل و انگیزه‌هایی که در پشت این درگیریها در باره آب نهفته است، می‌توان سه دلیل اساسی را برشمرد:

الف - واقع شدن مهمترین منابع آبی، خارج از سرزمینهای عربی  
 ب - سهم ناچیز کشورهای عرب نسبت به منابع آبی  
 ج - نادیده گرفتن حقوق اعراب نسبت به آب، چه به صورت عملی و چه به صورت لفظی.

اگرچه این دلایل، بیشتر از ناحیه نظری است، اما تا حد زیادی بعضی از آنها جنبه عملی پیدا کرده است. کم بودن سهمیه مورد انتظاری که برای اعراب وجود دارد، به دلیل واقع شدن منابع مهم آبی در خارج از سرزمینهاست. همین مسأله دلیل نادیده گرفتن حقوق اعراب نسبت به آب نیز شده است. رابطه‌ای که میان این دلایل و انگیزه‌ها برقرار گردیده، بطور طبیعی کارها را پیچیده و دشوار کرده است.

برای بررسی و تحلیل کامل این انگیزه‌ها و دلایل، باید به شکل عملی و پویا وارد عمل شد و رابطه و چگونگی تأثیر آنها را پیدا کرد، زیرا هر یک از این دلایل بر دیگری تأثیر فراوانی می‌گذارد.

اول - وجود منابع آبی مهم خارج از سرزمینهای عربی: این عامل بخودی خود به وضعیت جغرافیایی منطقه مرتبط است. اگر رودخانه‌های نیل، فرات و دجله خارج از سرزمینهای عربی واقع شده باشند، در واقع ۸۵٪ از منابع آبی را دیگر کشورهای عربی تصاحب کرده‌اند و آنها می‌توانند از آب به عنوان یک حربه سیاسی و اقتصادی علیه منافع اعراب استفاده کنند. خواه این مسأله در وضع اختلافات سیاسی یا در سایه نیازمندیهای اقتصادی حیاتی باشد. همچنین باید اضافه کرد که برنامه‌های رشد و توسعه اعراب زمینه‌ای برای تهدیدات مختلف شده که با اقدامات و قدرتهای خارج از توان اراده کشورهای عربی ارتباط پیدا کرده است.

دوم - سهم ناچیز اعراب نسبت به آب: بنابر تحقیقات انجام شده در باره سهم هر فرد از آب، اعراب از آب بسیار کمی بهره می‌برند و این سهم کم، نتایج مختلفی در تغییرات گوناگون طبیعی و اقتصادی همراه دارد.

سوم: نادیده گرفتن حقوق اعراب نسبت به آب: تاریخ روابط آبی در منطقه لبریز از نادیده گرفتن حقوق اعراب نسبت به سرچشمه‌ها و قنات‌ها، خصوصاً از جانب اسرائیل

است. چنانکه بطور مشروح بیان شد، رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس در سال ۱۹۴۸، سیاست تسلط بر منابع آبی منطقه را در پیش گرفت و در قالب یک استراتژی گام به گام حتی از به کارگیری حربه‌های نظامی نیز در این طریق فروگذار نکرد.

در هر حال امروزه منطقه، شاهد برنامه‌ریزیها و طرحهای فراوانی در باره منابع آبی است و در واقع درک ما از ابعاد مسأله آبهای منطقه بر درک ابعاد نقشه‌ها و طرحهای مبتنی است که اینک از سوی طرفهای مؤثر و دارای توانایی اجرایی دنبال می‌شود. بطور کلی هم اکنون سه طرف اساسی وجود دارند که عبارتند از طرف عربی، طرف ترک و طرف اسرائیلی. طرف عربی که در حقیقت چندین طرف است، در موضع ضعیف، غیرفعال و مجری طرحهای دیگران قرار دارد. اما در مقابل دو طرف دیگر فعال بوده، دارای برنامه‌ها و طرحهای روشنی برای توسعه منابع آبی در سطح منطقه هستند.

در مورد طرف ترک، چنانکه مفصلاً اشاره شد، ترکیه در صدد است که از آب به عنوان سنگ بنای رشد و توسعه بهره‌برداری نماید. به کارگیری منابع آبی به این کشور در زمینه غلبه بر دشواریهایی که سد راه موفقیت و پیشرفت در جهت اجرای طرحهای توسعه‌ای است، کمک فراوانی می‌رساند. این دشواریها عبارتند از مسائل مربوط به دسترسی به سرمایه‌گذارها، دستیابی به مواد اولیه و ... در هر صورت مسلم است که طرح "گاپ" علاوه بر تأثیرات داخلی، بر معادلات اقتصادی و سیاسی منطقه بویژه در ارتباط با سوریه و عراق نیز تأثیرات فراوانی خواهد داشت. اما نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه شود، مسأله همکاریهای موجود بین آنکارا - تل‌آویو در باره مشارکت در امور مربوط به آب و بهره‌گیری از منابع و تأسیسات آبی ترکیه از یک سو، و از سوی دیگر بهره‌گیری از تجربیات اسرائیل در امر سیاستهای آبیاری و کشاورزی است. این روابط که از قالب روابط اقتصادی خارج شده و به برخی موانع مشترک سیاسی در مورد مسائل جاری در منطقه گسترش یافته است، محتاج بحث مفصلی است که در موقع مناسب و در قالب تحقیقی مستقل توضیح داده خواهد شد.

در مورد رژیم صهیونیستی اسرائیل، چنانکه اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که بر خلاف ترکیه که با بهره‌گیری از منابع فراوان آبی در پی تصدی یک نقش فعال در

آینده منطقه است، این رژیم مسأله تفوق بر منابع اعراب را به عنوان بُعدی مهم در چارچوب امنیت ملی خود می‌نگرد. بنیانگذاران اولیه این رژیم چون هر تزل، مهندسان و کارشناسان آب و آبیاری را به عنوان هادیان اصلی در تحقق دولت یهود تبلیغ می‌کردند و در همین راستا سیاستمدارانی که بعد از تأسیس این رژیم در ۱۹۴۸ سگان رهبری آن را برعهده گرفتند، بر این چارچوب ایدئولوژیک وفادار ماندند، چنانکه حتی امروز نیز که موج صلح‌طلبی و مصالحه با تل آویو بر چارچوب مذاکرات اعراب و اسرائیل سایه افکنده، همچنان سیاست حفظ سرزمینهای اشغالی و منابع آبی آن در صدر محورهای مورد نظر رژیم صهیونیستی قرار دارد.

نکته‌ای که باید مورد توجه باشد، نقش سازمان ملل متحد در ارتباط با حل بحران آب در منطقه است. این سازمان می‌تواند با نزدیک کردن طرفهای درگیر در مسائل آب در خاورمیانه، آنان را نسبت به این خطر و مشکل مشترک هوشیار ساخته و به سوی تفاهم بکشاند. سازمان ملل متحد، دهه ۱۹۸۰ را به عنوان دهه بین‌المللی تدارک و عرضه آب آشامیدنی، و بهداشتی معرفی کرد. سازمانهای مربوط در بانک جهانی و سازمان ملل متحد بویژه برنامه عمران ملل متحد (UNDP)، یونیسف، برنامه محیط‌زیست ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و مرکز اسکانهای بشری ملل متحد، کوشش زیادی در این زمینه به عمل آورده‌اند، ولی بانک جهانی و دیگر مؤسسات عمده سازمان ملل متحد، دارای قدرت لازم سیاسی یا مسئولیت مشخص برای مذاکره در باب اختلافات مربوط به آب در بین کشورهای جهان نیستند، مگر اینکه بطور روشن از آنها تقاضا شود که برنامه‌ای برای مدیریت مسأله آب ارائه دهند. باید مدیریت منابع آب را به عنوان جزء جدانشدنی امنیت و ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه تلقی کرد. انتظار می‌رود که در آینده نیاز به آب، انگیزه‌ای برای تجاوز مستقیم به حقوق یکدیگر شود، خصوصاً هنگامی که روابط سیاسی کشورهای عربی و کشورهای همجوار دستخوش دگرگونی یا تیرگی گردد و روابط در زمینه منابع آبی مشترک همچنان بدون قانون و توافقات گوناگون باشد، این مسأله بیشتر نمود پیدا می‌کند.

در پایان این تحقیق ذکر این نکته ضروری است که اگرچه در معادلات آبی منطقه

چندان نامی از جمهوری اسلامی ایران و معضلات امنیتی کشور اسلامیمان در این ارتباط مطرح نشده است، اما این موضوع نباید دست‌اندرکاران و سیاستمداران مملکت را از بحرانهای بالقوه، بالفعل، مستقیم و غیرمستقیمی که می‌تواند در این حوزه از مسائل امنیتی منطقه، متوجه ایران شود، غافل نگاه دارد.

بطور کلی در صورت بروز هر نوع تنش میان دولتهای مطرح منطقه، در ارتباط با بحران کم‌آبی، تأثیراتی نیز متوجه ساختارهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد که در قالب سناریوهای ذیل قابل ارزیابی است:

**الف -** با توجه به وجود حوزه‌های آبی وسیع در مناطق مرزی کشور در شرق (دریاچه سیستان)، جنوب شرقی (دریاچه تلخ آب و هامون)، شمال شرق (رود تجن)، شمال (اترک و مجموعه‌های رودخانه‌هایی که از ارتفاعات کوه داغ سرچشمه می‌گیرد چون چحچحه و قهقهه)، شمال غربی (رودخانه ارس)، جنوب غربی (اروند و کرخه) و جنوب (کارون)، و بویژه دریاچه بزرگ خزر در شمال کشور که حوزه آبی بشدت استراتژیکی در ارتباط با منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌رود، هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی که در پی بهره‌گیری بهینه از منابع آبی این مناطق باشد (بویژه در نقاط مشترک میان ایران و کشورهای همجوار) می‌تواند تأثیرات فراوانی بر معادلات امنیتی کشورهای همسایه گذاشته و در نهایت پیامدهایی را برای ساختارهای امنیتی کشورمان همراه داشته باشد. البته این مهم در شرایط کنونی جامعه که امواج بازسازی اقتصادی و سیاستگذاریهای عظیم فنی چون طرحهای سدسازی و بهبود وضعیت کشاورزی در سرلوحه امور قرار دارد و نمونه‌های شاخصی چون "سدهای عظیم ماکو و کرخه" را به ارمان آورده، بیشتر باید در کانون توجه و بررسی قرار گیرد.

**ب -** چهره دیگر "بحران آب" در منطقه، در ارتباط با مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران، هنگامی متجلی خواهد شد که مسأله‌ای تحت عنوان "سیستم نفوذی" \*پیش آید و منطقه به صحنه حضور نامشروع "دولتهای بیگانه" تبدیل شود. در این رابطه باید به روابط رو به توسعه آنکارا - تل‌آویو بر محور سیاستهای آبی و

سیستمهای آبیاری کشاورزی، اشاره داشت که در ساده‌ترین شکل خود نیز می‌تواند زنگ خطر مهمی برای کشورهای منطقه، بویژه جمهوری اسلامی ایران محسوب شود. ضمیمه (۳) تا حدودی بیانگر جایگاه ج.ا.ا در مسائل مربوط به بهره‌برداری از منابع آبی در منطقه می‌باشد. **جدولهای ضمیمه:**

وضعیت تقسیم آب قسمت علیای رودخانه اردن

نام کشور	طرح جانسون در ۱۹۵۵ مترمکعب	وضعیت تقسیم فعلی آبها
لبنان	۴۲ میلیون	—
سوریه	۳۵ میلیون	—
اسرائیل	۳۵۷ میلیون	۶۶۰ مترمکعب
اردن	۱۱۰ میلیون	—

ضمیمه شماره ۲

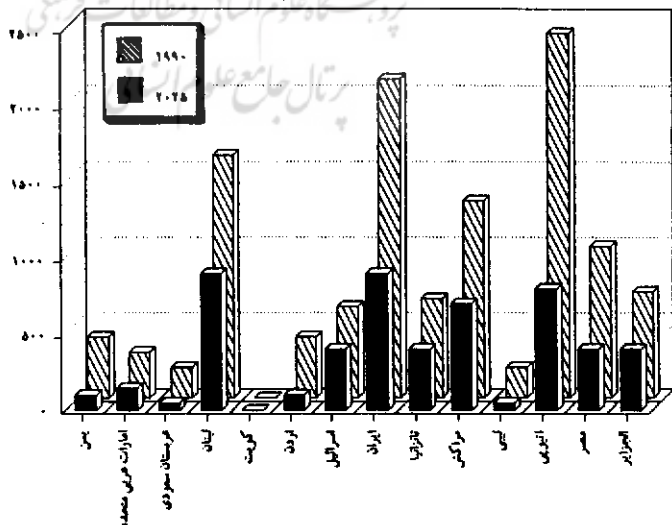
وضعیت تقسیم آب رودخانه یرموک

بین کشورهای سوریه، اردن و اسرائیل

نام کشور	طرح جانسون در ۱۹۵۵/میلیون	وضعیت تقسیم فعلی آبها/میلیون
سوریه	۹۰ مترمکعب	۱۶۰ مترمکعب
اردن	۳۳۷ مترمکعب	۱۰۰ مترمکعب
اسرائیل	۲۵ مترمکعب	۱۰۰ مترمکعب

ضمیمه شماره ۱

مقدار آب موجود سرانه کشورهای خاورمیانه برحسب مترمکعب



ضمیمه شماره ۳

## یادداشتها

- ۱- "خاورمیانه و بحران آنها" گزارشی از سفارت جمهوری اسلامی ایران - برن، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۷۳)، ص ۵۷۲.
- ۲- "آب و نقش آن در صحنه سیاسی خاورمیانه"، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۳/۷/۴، ص ۱۲، (اصل این مقاله در این منبع آمده است: الحیات، شماره ۱۱۵۰۰، ۱۳ اوت ۱۹۹۴).
- ۳- "خاورمیانه و بحران آنها"، همان.
- ۴- آب، امنیت و خاورمیانه (گزارشی از مرکز مطالعات استراتژیک لندن)، مترجم پیروز ایزدی، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع)، (زمستان ۱۳۷۲)، ص ۱۳۱ - ۱۳۰.
- ۵- همان، ص ۱۲۹.
- ۶- جویس استار، «بحران آب، زمینه‌ساز درگیریهای آینده در خاورمیانه» مترجم ا. طباطبایی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۶ - ۵۵، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱) ص ۴۲.
- ۷- همان، ص ۴۵.
- ۸- آب، امنیت و خاورمیانه، همان، ص ۲ - ۷۱.
- ۹- آب، امنیت و خاورمیانه...، همان، ص ۸۰ - ۷۹.
- ۱۰- استار، همان.
- ۱۱- "بررسی تحولات خاورمیانه در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا"، (ژوئن ۱۹۹۴)، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۲، (پاییز ۱۳۷۳)، ص ۵ - ۴۲۴.
- ۱۲- استار، همان، ص ۴۵.
- ۱۳- خاورمیانه و بحران آنها، همان، ص ۵۷۴.
- ۱۴- همان، ص ۵۷۵.
- ۱۵- استار، همان، ص ۴۶.
- ۱۶- اطلاعات (ضمیمه)، ۱۳۷۳/۸/۲۲، ص ۴.
- ۱۷- خاورمیانه و بحران آنها، همان.
- ۱۸- برای اطلاع بیشتر در مورد همکاری تل آویو - آنکارا در باره بهره‌گیری از منابع آبی، م. ک: "نگرشی به آینده خاور میانه: روابط ترکیه و اسرائیل"، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱ (تابستان ۷۳)، ص ۲۰۹ - ۱۸۹.
- ۱۹- آب، امنیت...، همان، ص ۳۸ - ۳۳.
- ۲۰- اطلاعات (ضمیمه)، ۱۳۷۴/۴/۱۴، ص ۷.
- ۲۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳/۹/۱، ص ۱۲.
- ۲۲- خاورمیانه و بحران آنها، همان، ص ۸ - ۵۷۷.
- ۲۳- آب، امنیت و...، همان، ص ۵ - ۴۴.
- ۲۴- م. ک:
- آب، امنیت و...، همان، ص ۶ - ۴۵.
- "قرارداد صلح اردن و اسرائیل"، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، (بهار ۱۳۷۴)، ص ۲۰۱ - ۱۸۷.
- ۲۵- نجیب عیسی، "نقش آب در توسعه خاورمیانه"، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۱ (تابستان ۱۳۷۳)، ص ۹ - ۴۸.
- ۲۶- خاورمیانه و بحران آنها، همان، ص ۵۸۰.